

امام حسین علیه السلام

در آیینه شعر و ادب

محمدمدنی بجستانی

بسم الله الرحمن الرحیم

امام حسین علیه السلام در آیینه شعر و ادب

نویسنده:

محمد مدنی بجستانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام حسین (ع)در آیینه شعر و ادب

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: مدنی بجستانی، محمد

ناشر : امام حسین در آیینه شعر و ادب [منبع الکترونیکی] / محمد مدنی بجستانی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۱۱ بایگانی: ۹۴.۹KB)

موضوع: حسین بن علی(ع)، امام سوم

پیشگفتار

السلام علیک یا صریع الدمعه العبری السلام علیک یا مذیب الکبد الحری السلام علیک یا صریع العبره السابکه و قرین المصیبه الراتبه دیدگانت پر اشک لبانت خشکیده سینه ات گداخته قلبت شعله ور، روحت پرتلاطم لیکن مهار نفست برمشت سرود ایمان بر لب نوای توحید در کام یاد خدا در دل دستار پیامبر بر سر، کهنه پیرهن امانت مادر بر تن بزم اشکواره در پیش ای حسین ای رازدار منزل وحی غم سرای خیمه هایت سوزش قلب زنانت گریه نوباوگانت آه و سوز خواهرانت العطش از دخترانت عالمی را اشک ریزان می کند!ای حسین ای رهنمای راه ایمان ای حسین ای جرعه نوش جام یزدان کوفیان بد صفت نامردمان بی مروت دعوت گران بی فتوت حیا از مادرت زهرا (س) نکردند!ای حسین جان ای خون یزدان واژگان در چکامه شور تو ناتوان شعر گویان در ستایش صبر تو حیران و ادیبان در بیان ایثار تو سرگردان یا حسین نیایت به شهادت پذیری ات جان یافت زکریا (ع) به غم آمیخته با نامت ره جست فطرس به برکت گاهواره تو بال یافت گویی که در قربانگاه زمینِ آرزو حاجیان قربانی به یاد تو کنند؛ و گویی احرام به تن داران در سرزمین عرفات دنبال راه تو روند که تو فرزند مکه و بطحایی فرزند زمزم و صفایی پور حل و منایی گرگان بیشه شهوت پارگان تنت را تن پاره کردند، روبهان مرغزار حیله

دعوت نامه ها را به شمشیر باز کردند و حرامیان بستر کفر دست پلید خویش را برای بیعت به سوی تو گشودند که چه نیک فرمودی «ان الدعی بن الدعی قد رکز بین اثنتین بین السله و الذله و هیهات منا الذله یا بی اللّه ورسوله والمؤمنون وحجور طابت وطهرت وانوف حمیه ونفوس ابیه من ان توثر طاعه اللئام علی مصارع الکرام همانا، حرام زاده فرزند حرام زاده مرا بر دو کار مخیر داشته یکی مرگ و دیگری خواری و چه دور است ذلت از ما خاندان خداوند و پیامبرش و باورمندان و دامن های پاکیزه (که ما را پروردند) و مردمی که زیر بار ستم نروند و افرادی که تن به خواری ندهند(جملگی دوری می گزینند؛ که فرمانبری ناپاکان بر کشته شدن شرافت مندانه برگزیده شود».دژخیمان اهریمن صفت کرنش گران معبد نفس فرمانبران سفیر ابلیس غنودگان بر بستر آمال و دنباله روان امیر جانیان یزید، صلایت را با تیر و پیکان پاسخ دادند و دلایل ات را با سنگ برای آن که همه تاریخ راز مظلومیت را بدانند، فرمودی «هل من ذاب یذب عن حرم رسول الله (ص) هل من موحد یخاف اللّه فینا؟ هل من مغیث یرجواللّه باعاثتنا؟ هل من معین یرجو ما عنداللّه فی اعانتنا؟آیا کسی هست که از حرم رسول خدا (ص) پاس دارد؟ آیا یکتا پرستی هست که درحق ما از خداوند بترسد؟ آیا پناه دهنده ای هست که به پناه دادن ما به خدا امید وار باشد؟آیا کمک کاری هست که با کمک به ما بدانچه نزد خداست امیدوار باشد؟ آه که نوایت را ناشنوده گرفتند؛ افسوس که پور پیامبر، فرزند زهرا و حیدر (ص) را تنها گذاشتند، دردا که بارها کردن تیری زهر آگین

بـه سـویت دیـدگان پر التهـاب کودکـانت را برهـم گذاردنـد؛ وای که بر سـینه پر درد دخت امیر مؤمنـان دست پرورده زهرای مرضیه آتش غم ریختند و اندوها که حرمت را شکستند!

مقدمه

حمد بی پایان و سپاس فراوان ذات احدیت خداوند تبارک و تعالی را، خدای مهربانی که نعمت اسلام عزیز و پیروی از احکام نورانی را به ما عنایت فرمود. و هزاران سـلام و صـلوات به ارواح پاک انبیاء و اولیا و شـهدا از آدم تاخاتم از صـفی الله تاحبیب الله وولی الله جـان هـای پاک و مشـتاقی که لحظه ای در راه هـدایت خلق کوتاهی نکردنـد. سـلام و صـلوات حق تعالی و همه ملائکه و کروبیان به روح مطهر سومین خورشـید آسـمان امامت سید و سالار شهیدان بزرگ مؤسس دانشگاه کربلا به عشق و ایثار و شـهادت امام احرار و آزادگان قبله دردمندان حضـرت اباعبداللّه الحسـین (ع) و بر اولاد و اصحاب باوفایش سر آغاز هر دگرگونی و انقلابی در اجتماع یا در تاریخ و هم چنین در ادبیات همواره از کارهای بزرگ و تحولات اساسـی و زیر بنایی سر چشـمه می گیرد. چه کاری و چه تحولی از رویداد روز دهم عاشورای سال ۶۱ ه در طول تاریخ بشریت مهم تر و عظیم تر می باشـد؟ کاری که حسـین (ع) کرد و جانبازی و ایثاری که او در راه ایمان و عقیده راستین خود به خداوند نشان داد تا اسـلام و قرآن جاوید بماند، همتا و مانندی در تاریخ بشـریت ندارد.در فراز و نشـیب های تاریخ جوامع بشـری چه بسا اشخاصـی که در راه خدا و در راه ایمان و عقیده خود کشته شدند و چه بسا افرادی که با میل و

رغبت برای حفظ اصول انسانیت و آیین پاک زندگی از لذات مادی و دنیوی چشم پوشیدند و پرهیزکاری و ایمان و رهروی در طریق حق را بر خوشی های زود گذر زندگی ترجیح دادند، ولی هیچ کدام «حسین بن علی ع)» نشدند. از این روی و چه به حق و درست از فردای فاجعه عاشورای حسینی انقلاب و دگرگونی های عظیمی در مردم و جامعه در دل ها و در افکار، در اعمال و گفتار آغاز گردید.جامعه ای که در حالت آرامش قبل از طوفان به سر می برد و به ندای حق طلبی و حقیقت گویی بزرگ مرد آزادی و حرّیت جواب مثبت داد و حماسه «عاشورا» چون مشعلی فروزان آتش بی پایان بر هستی ستمگران و ظالمان کاخ نشین زد. به طوری که نهضت و قیامی در اجتماع بر علیه ستمگران آن واقعه و بر علیه هر ستمگری به وجود آمد که درفاصله ای بس کوتاه عاملان آن به شدیدترین صورت ممکن به مجازات اعمال خودرسیدند. از آن مهم تر اثری بود که این حماسه و انقلاب در دگرگونی ادب و شعر فارسی وعربی باقی گذاشت که می توان آن را مبدأ و سر آغاز رستاخیزی در ادبیات ایران و عرب دانست آنچه بعد از گذشت نزدیک به چهارده قرن از حماسه جاوید حسین ع) پیام قیام و جانبازی امام حسین (ع) و اولاد و اصحاب آن بزرگوار بدون هیچ کم و کاستی به نسل امروز رسانده است زبان ادبیات و شعر است حماسه و قیام امام حسین (ع) به دو صورت ماندگار شد: یکی مورخان و تاریخ نگاران که این حماسه را به وسیله تاریخ به گوش ما رسانده اند. هر چه مطالعه تاریخ سازنده

و مفیـد است اما به انـدازه شـعر و ادبیات مانـدگار و اثربخش نیست چه بسا بیتی شـعر اثرش از یک کتاب تاریخی بیشتر باشد. زبـان شـعر، زبـان احساسـات پـاک درونی هر انسـان است و این اخلاـص هر چه بیشـتر باشـد اثر بخشـی آن نیز بیشـتر خـواهد بود.بنـابراین نـام حسـین (ع) شـعار انقلاـب بر علیه ظلم و سـتم گردیـد و شـاعران انقلاـبی بزرگ همچون کمیت اسـدی دعبل خزاعی ابو فراس حمدانی و...ظهور کردند که با اشـعار انقلابی و تکان دهنده خود موجبات از هم گسیختگی و زبونی دستگاه های خلافت به ناحق بنی امیه و بنی عباس را فراهم آوردند. به طوری که بیان رسا و دلیرانه و انقلابی این گویندگان بزرگ از هر چیزی برای حکمرانـان سـتمگر و ظـالم زمان غیر قابل تحمل تر بود و این امر تا جایی ادامه یافت که بردن نام حسـین (ع) و یاد او از طرف حکومت وقت ممنوع اعلام گردیـد و جرمی بزرگ محسوب می شـد.در طول تاریخ از هنگام ولادت حضـرت امام حسـین ع) تا امروز، شاعران بزرگی در مـدح و منقبت و رثای آن حضـرت اشـعاری سـروده اند. در کتاب های متعدد نقل شـده که جبرئیـل به هنگـام جنبانیـدن گهواره امام حسـین ع) شـعر ذیل را می خوانـد:«ان فی الجنه نهراً من لبن لعلی ولزهراء و حسـین و حسن کـل من کـان محباً لهم یـدخل الجنه من غیر حزن یعنی در بهشت نهری است از شـیر که از آن علی و فاطمه و حسـین و حسن است هرکسـی دوست این خانـدان باشد، بدون اندوه وارد بهشت خواهد شد.آری جبرئیل به عنوان اولین شاعر در مدح و منقبت حسین (ع) شعر می گوید و پیامبر عظیم

الشأن اسـلام نیز بارها در منقبت امام حسـین با زبانی زیبا و ادبی شهادت امام حسین (ع) و گریه بر آن حضرت را یاد آور شده هم چنین حضـرت علی (ع) وفاطمه (س).از لحظه ای که فاطمه زهرا(س به حسـین (ع) حامله شد، حزن و اندوه او را فراگرفت و در روز ولادت با نزول جبرئیل و بیان داشتن داستان شهادت آن امام معصوم فاطمه زهرا و رسول خدا و علی مرتضی (ع) به سوگواری و عزاداری سالار شـهیدان پرداختند. فاطمه زهرا (س بارها این شـعر را می خواند:«و احسینا ذبیحاً من قفاه «و احسیناه قتیلاً بالـدما»مردی اعرابی وارد مدینه شد و از کریم ترین مردم سؤال کرد؛ امام حسـین (ع) را به او معرفی کردند. وارد مسـجد شد و آن بزرگوار را در حال نماز یافت پشت سـر آن بزرگوار ایسـتاد و این شعر را خواند.«لم یخب الا من رجاك و من ..»آن که به تو امیـدوار شـده نا امید نگشـته و کسـی که بر در خانه آمده و دق الباب کرده به امید بخشـش آمده است تو بخشـنده و مورد اعتمـادی پـدرت کشـنده فاسـقان بود. اگر هـدایت جـد و پـدرت نبود، آتش جهنم مـا را فرا می گرفت امـام حسـین (ع) نمازش را سـلام داد و به قنبر فرمود: آیا از مال حجاز چیزی باقی مانده است گفت بله چهار هزار دینار باقی مانده فرمودند: آن را بیاور که نیازمند حقیقی آن آمده است قنبر دینارها را آورد. امام دو برد خود را از تن در آورده و دینارها را در آن پیچید و دست مبارکشان را از شکاف در، خارج کردند و به خاطر کم بودن دینارها از اعرابی خجالت

کشیدند و این شعر را سرودند: «خذها فانی الیک معتذر...»بگیر این مقدار دینار را، من به خاطر کمی آن از تو عذر می خواهم و بـدان که من به تو مهربانم اگر در آینده وسـیله فراهم شد، ثروت سـرشاری بر تو ریزش خواهد کرد. لیکن مردم زمان بیگانه پرسـتند و اینک دست ما خالی است اعرابی دینارها را گرفته و های های گریه کرد: امام فرمود شاید آنچه عطا کردم به تو کم اسـت اعرابی گفـت نـه ولیکن گریه من برای این است که چرا این دست هـای بـا سـخاوت زیر خـاک خواهنـد رفت بیـان این داسـتان حاکی از روح پاک و آسـمانی امام حسـین (ع) است آری «شعر»زبان احساسات پاک و الهی است یکی از دلایلی که موجب شـد قیام امام حسین (ع) بعـداز گذشت چهارده قرن هم چنان پویا و زنده باشد توجه و تأکید ائمه اطهار به شـعر گفتن درباره امام حسـین و قیام کربلا بود.ابو عماره منشـله شاعر می گویـد: روزی به حضور امام صادق (ع) مشـرف شدم امام به من فرمودنـد: چنـد شـعر در مرثیه امام حسـین بخوان من به شـعر خواندن مشـغول شدم امام گریسـتند: تا آن جا که صدای گریه از خانه آن حضـرت بلند شد. حضـرت فرمودند: با آن روشـی که بین خودتان مرسوم است و می خوانید و نوحه سـرایی می کنید بخوان وقتی که با آهنگ و صدای بلند شـعر خواندم امام خیلی گریه کردند و صدای گریه بانوان و خانواده آن حضرت نیز از پشت پرده بلند شد. هنگامی که ختم کردم امام فرمودند: هر کس در مرثیه امام حسین (ع) شعر بخواند و پنجاه نفر را بگریاند، حتماً اهل بهشت خواهد

بود و هر کس سی نفر یا بیست نفر، ده نفر، پنج نفر و یک نفر را بگریاند و نیز هر کس مرثیه بخواند و خود به تنهایی بگرید و یا خود را شبیه گریه کنندگان بدارد، بهشت بر او واجب می گردد.یکی از چهره های ادبیات عرب «فرزدق است ملا عبدالله افندی در «ریاض العلماء» گوید: ابو فراس شاعر معاصر جریر، معروف به فرزدق شاعری شیعی و امام است او همان کسی است که قصیده ای در فضل امام علی ابن الحسین (ع) انشا کرد. اصحاب رجال او را در شمار یاران امام آورده و از او به نیکی یاد کرده اند؛ گرچه این توفیق را نداشت که در قیام حماسی امام حسین (ع) ایشان را یاری کند و در ملاقاتش با امام حسین (ع) در جواب سؤال امام درباره مردم عراق گفت «دل هایشان با تو و شمشیرهایشان درخدمت بنی امیه است » اما بعد با دفاع به جای خود از امام سجاد (ع) ارادت و محبت خودرا به ساحت ائمه اطهار (ع) نشان داد. مورخان نقل کرده اند که به روزگار ولید بن عبدالمطلب مروانی ولی عهد و برادرش هشام بن عبد الملك به قصد زیارت خانه خدا واردمکه شد و برای طواف گام در مسجد الحرام نهاد. چون خواست که حجر الاسود را استلام کند، فشار جمعیت مانع از این کار شد. ناگزیر برگشت و بر منبری که برایش نصب کرده بودند نشست بزرگان شام جملگی در اطرافش به تماشای مطاف پرداختند. ناگهان امام سجاد (ع) که سیمایش از همه زیباتر و لباسش از همه مردان پاکیزه تر بود، از افق مسجد بدرخشید و به مطاف آمد. چون نزدیک حجرالاسود آمد،

موج جمعیت در برابر هیبت و عظمتش کنار رفت حضرت دست به حجرالاسود بسود و به طواف پرداخت تماشای این منظره موجی از خشم در دل هشام بر انگیخت آتش حسد در درونش شعله کشید. یکی از بزرگان شام با حیرت گفت این کیست که این گونه مردم از او تجلیل می کنند؟ هشام درحالی که امام را نیکو می شناخت به تجاهل پاسخ داد و گفت او را نمی شناسم روح حساس فرزدق از این حق کشی بیازرد، و آتش غیرت از درونش شعله کشید، و حربه سخن و تازیانه شعر به هوا رفت و در جواب آن مرد، آن چکامه بلند را بسرود، و سیل سخن را از منبع دل به قدرت ایمان سرازیر کرد. چون شعر به پایان رسید، هشام به او گفت چرا تاکنون در مدح ما چنین شعری نسرودی فرزدق جواب داد: جدی به مانند جد او، و پدری هم شأن پدر او، و مادری به پاکیزگی گوهر مادر او بیار، تا تو را نیز چون او بستایم هشام پس از این واقعه نام فرزدق را از دفتر جوایز سترد و در سرزمین «عشفان بین مکه و مدینه او را به زندان انداخت چون خبر به امام سجاد (ع) رسید، دوازده هزاردرهم به رسم صله برای او فرستاد. فرزدق نستاند و گفت «من تو را به خاطر خدای متعال ستودم نه برای بخشش امام پیام فرستاد که «ما اهل بیت چون چیزی به کسی بخشیم از او باز نخواهیم گرفت .می دانیم که ستایش از پیامبر و آل جز صدق و اخلاص او به این خاندان از چیز دیگر حکایت نمی کند. زیرا اگر حسان بن

ثابت به روزگاری می زیست که شعر و شاعری و سخن از پیامبر و خاندانش گفتن کمتر درد سر داشت ولی روزگار فرزدق سودای آن زمان و موقعیت بود. سخن از خاندان پیامبر و علی جز محرومیت و زندان و شکنجه چیزی به دنبال نداشت و جز بر خشم و کین بنی امیه به شاعر نمی افزود و این جاست که شجاعت و صداقت شاعری چون او به خوبی آشکار می شود و تازیانه سخن به هوا می رود و در آن جا که طاغوت بر منبر تکبر، به تجاهل می پردازد محکم بر سرش فرود آید، آن چنان محکم که فرصت واکنش را از او می گیرد. و این همه نیست مگر به ایمان و تعهد و مسؤلیت و کیست که نداند چرا دعبل چهل سال چوبه دارش را به دوش می کشد، عمروبن حمق سرش بر نیزه می رود، میثم تمار بر بالای درخت مثله می شود، حجر در «مرج عذراء» به خون می غلطد، کمیت بن زید اسدی را به شمشیر شکم می درند، فرزدق به زندان می رود، و زیدبن علی هفت سال بر بالای دار می ماند، و عمار یاسر این پیر نود ساله این بیدار دل ابو یقضان در صفین به دست گروه یاقی شهید می شود. آری کیست که نداند شهادت اینان بیش از همه حجتی است بر درستی و حقانیت مکتب اسلام و اکنون پس از چهارده قرن پس از منادیان آزادی فرزند برومند آن سلاله پاک شورشگر پر خروش سرخیل مستضعفان تاریخ ورائد کاروان نجات و هدایت آن قائد قیام گر قم امام خمینی روحی فداه بارگران این مبارزه چهارده قرنه را در خط توحید به دوش می کشید و درود بر

روح او بـاد!از جمله شـاعرانی که بـا اشـعار خود عشق و محبت خود را به ساحت مقـدس اهل بیت عصـمت و طهارت به اثبات رسانیده و با شـعر و کلام خود از مریم مقدس اسـلام دفاع نموده اند، می توان به دعبل بن علی الخزاعی اشاره نمود، دعبل که به سال ۱۴۸هجری چشم به جهان گشود و پس از عمری طولانی در ۹۸ سالگی به قتل رسید. در علل مرگ او سخن بسیار رفته است ولی اجمال این که یکی از حاکمان که از نیش زبان تنـد او تا اعماق جان رنجیـده بود، سـر انجام تصـمیم به قتل وی می گیرد و این بار، دیگر بخت بادعبل یار نیست و او در چنگال مرگ گرفتار می آیـد. ولی طرفه آن که این پیرمرد با بیش از ۹۸ سـال هنوز شور و نشـاط و تنـدی معهودش را محفوظ داشـته بوده است در هر حـال اگر چه حوادث جـالب حیات او جزء مهم ترین عواملی است که ضـرورت پژوهش در شخصـیت او را می نمایاند، ولی نباید از نظر دور داشت که این بعد ادبی است که این شخصیت راماندنی و حافظه تاریخ را با نقش او مزین ساخته است در این که او ادیبی بارع بوده است هیچ شکی نیست چه نگاهی ریز نگر و زیبایی و لطافت ابیات او را می نمایاند، این اسـتحسان اشعار او مخصوص طائفه خاص و محدودی از مردمان نیست بلکه محبت و عنایت به این اشـعار همگانی و عمیم است سـخن شـناسان نیز که از ریزنگری های ویژه برخوردارنـد و به قضایای ادبی جز با دیدی انتقادی نمی نگرند، خود در اعتراف به هم وزنی و هماهنگی این ابیات گوی

سبقت را از دیگران ربوده اند و هم ایشانند که مکتب و رساله های خود را به صحنه های گویایی از استشهاد به اشعار او مبدل ساخته اند. معانی الفاظ واژه شناسی معانی بیان بلاغت و فصاحت همگی عرصه هایی هستند که ابیات دعبل هنرمندانه در آنها نقش آفرینی می کنند و این ادبا هستند که با ذوق و سلیقه هنری خویش و با دقت فراوان این هنرمند را گزیده اند. این ابیات از چنان سلاستی برخوردارند که خواننده را در نخستین برخورد به سوی خود می خوانند و گویی همگی جملات هم وزن و مقفایی اند که همه کس در برابرشان به فهم و درک می ایستد. این در حالی است که اندک غور و تأملی عمق و ژرفناکی آنها را می نمایاند، و گاه چنین به نظر می رسد که معانی بلند این اشعار از حیث سرایش و درک از حیطه های ادراکی بشر خارجند و این پدیده ای ادعایی نیست بلکه خاصان درگاه الهی و پرده نشینان عصمت و طهارت بر آن اذعان دارند. او قصیده «تائیه خود را بر امام علی بن موسی الرضا (ع) انشاد می کند و چون به این بیت می رسد:خروج امام لامحاله خارج یقوم علی اسم اللّه والبرکات امام می گریند و تصریح می کنند: «ای دعبل هر آینه روح القدس است که به زبان تو سخن می گوید» بلی دعبل قهرمان و یکه تاز عرصه شعر است او کسی است که نه تنها در سیاق ادبی اشعار تحولی عظیم پدید می آورد، بلکه در جای گزین سازی معانی در قوالب شعر، مبدع سبکی ممتاز و ویژه است پیشروی او در تمامی زمینه ها مشخصه بارز او است خصلتی که دیگران در برابر او ناچار به خضوع می کند و جز

اذعان لفظی و عملی به فضیلت او، راه دیگری برایش باقی نمی گذارد. قبله پیمایان شعر و ادب به تقدم تصریح می کنند و از مبالغه در این باب هراسی به خود راه نمی دهند.«ابن مهرویه از پدرش نقل می کند: «شعر، با دعبل به پایان رسید»و «بختری گوید:«در هر آینه دعبل در نزد من از مسلم بن ولید شاعرتر است چون افراد پرسیدند که برهانت بر این ادعا چیست گفت «چرا که کلام دعبل از عربیت بیشتری نسبت به شعر مسلم بن ولید برخوردار است و سبک اصیل عربی نزدیک تر.» بختری دراین مدعا، هیچ گاه تردیدی نیز به خود راه نداد.«مأمون خلیفه مقتدر عباسی که اتفاقاً به فضل و ادب هم شهرت داشت نیز از این حقیقت غافل نبود و بر اساس روایتی هنگامی که در نزد او سخن از شعرای بنی خزاعه می رود، او هیچ یک از ایشان را همآورددعبل نمی داند.این شاعر عالی قدر، نه تنها از طبعی روان و نبوغی منحصر به فرد برخوردار است بلکه از «جاحظ نقل کرده اند که گفت از دعبل شنیدم که گفت در طول شصت سال گذشته بر من روزی نگذشت که در آن شعری نگفتم و این دلیلی واضح برممارست و پشتکار اوست

نقش شاعران ایرانی در پویایی قیام کربلای حسینی

با ورود اسلام به ایران مردم رنج کشیده ایران که از ظلم پادشاهان ستمگر ساسانی به ستوه آمده بودند، با آغوش باز اسلام را پذیرفتند. ایرانیان در طول تاریخ همواره به اسلام و پیامبر اکرم و اهل بیت گرامی اش عشق می ورزیدند. در ایران نیز شعرا و گویندگان زبان فارسی از دیرباز به مدح و منقبت رسول اکرم وائمه اطهار: و به ویژه حماسه

کربلاـ مبادرت ورزیده و آثار بسیار ارزنده و دل نشینی از خود بر جای گذاشته اند،ولی آنچه که موجب سر آغاز یک دگرگونی در روند معمول مراثی و مناقب ائمه اطهار و اهل بیت (ع) گردید، در دوره حکومت صفویه پایه گذاری شد.در دوران حکومت صفویه تشیع مذهب رسمی ایران قرار گرفت و نظم و نثرمذهبی ترقی بسیاری کرد. چون فرمانروایان این سلسله که نسبت خود را به امام موسی کاظم (ع) می رساندند، به مدح و ستایش خود توجهی نداشته و انعام و صله به شاعرانی می دادند که بزرگان دین و امامان و ائمه اطهار(ع) را ستایش نمایند. اسکندر بیک ترکان مؤلف کتاب تاریخ عالم آرای عباسی در شرح حال شاه طهماسب صفوی چنین می نگارد:«در اوایل حال حضرت خاقانی جنّت مکانی را توجه به حال این طبقه بود...و دراواخر ایام حیات که در امر به معروف و نهی از منکر مبالغه عظیم می فرمودند، چون این طبقه علیه را وسیع المشرب شمرده از صلحا و زمره اتقیا نمی دانستند، زیاده توجهی به حال ایشان نمی فرمودند، و راه گذرانیدن قطعه و قصیده نمی دادند.مولانا محتشم کاشانی قصیده ای غرا در مدح آن حضرت و قصیده ای دیگر درمدح مخدره زمان شه زاده پریخان خانم به نظم در آورده از کاشان فرستاده بود، به وسیله شهزاده مذکور معروض گشت شاه جنت فرمودند که من راضی نیستم که شعرا زبان به مدح و ثنای من آلایند. از ارواح مقدسه حضرات و بعد از آن از ما توقع نمایند، زیرا که به فکر دقیق معانی بلند و استعاره های دور از کار در رشته بلاغت در آورده به ملوک نسبت می دهند که به مضمون دراکذب اوست احسن و اکثر در موضوع خود نیست

اما اگر به حضرات مقدسات نسبت نمایند، شأن معانی نشان ایشان بالاتر از آن است که محتمل الوقوع است » غرض که جناب مولانا صله شعر از جانب اشرف نیافت » این طرز فکر و ایمان و اعتقاد منحصر به شاه طهماسب نبود و دیگر پادشاهان خاندان صفوی من جمله شاه عباس که خود را غلام شاه ولایت می شمرد و عنوان کلب آستان علی یا کلب آستان ولایت در واقع نوعی عنوان رسمی او محسوب می گردید، نیز جز به ترویج علوم دینی ازکلام و فقه وحدیث و ذکر مناقب اهل بیت رسالت و مصائب شهدای کربلا، توجه نداشتند و فکر نویسندگان و شاعران را معطوف به مسائل دینی و سرودن مراثی و اشعار مذهبی می کردند.بنابراین شعرا به جای مدح شاهان صفوی به نعت انبیا و اولیا پرداختند و مدح و مرثیه آل رسول را موضوع قرار دادند و مورد تشویق و ترغیب فرمانروایان صفوی قرارگرفتند، به طوری که معروف است شانی تکلو شاعر این دوره به مناسبت سرودن این بیت اگر دشمن کشد شمشیر گر دوست به طاق ابروی جانانه اوست که در مدح حضرت علی ع) سروده بود، هم وزن خود، طلا از شاه عباس صفوی صله دریافت کرد. در این دوره علما نیز در جمع کردن اخبار و آثار شیعه و بسط فقه و حدیث کوشیدند؛ چنان که در مدت دو قرن و نیم حکومت صفویه ایران شاهد ظهور و طلوع ده ها دانشمند و متفکر مشهور بوده است که هر یک از نوابغ بزرگ جهان اسلام به شمار می روند.از امتیازهای مهم این دوره آن است که مسائل دینی را که سابقاً به زبان عربی می نوشتند؛ به

طوری که علامه مجلسی دانشمند معروف این زمان نزدیک به پنجاه جلدکتاب و رساله در مسائل دینی و مذهبی به زبان فارسی نوشت و کتاب های دیگری مانند جامع عباسی شیخ بهایی و ابواب الجنان قزوینی در علوم دینی و احادیث و نظیر اینها به وجود آمد. بنابراین بی توجهی پادشاهان صفوی به مدح و ستایش سلطانی و تشویق و ترغیب آنها به سرودن مراثی و مناقب ائمه اطهار: باعث دگرگونی ناگزیری در ادبیات و زبان فارسی گردید؛ چنان که سرودن مراثی شهیدان کربلا و مداحی اهل بیت جای ویژه ای در ابیات پیدا کرد و شعر و شاعر خادم و مروج مذهب وسیله ای برای اقامه مراسم سوگواری محرم و نشر مناقب و مراثی ائمه دین گردیدند.شعرا و گویندگان زبان فارسی مراثی و اشعار مذهبی را در انواع مختلف قالب های شعری از قبیل قصیده مثنوی غزل ترکیب بند و... با شور و حالی دل نشین و سوزناک بیان داشته اند، ولی از میان قالب های شعری بیان مراثی و مخصوصاً شرح حماسه عاشورای حسینی پس از آن که محتشم کاشانی دوازده بند معروف خود را در مرثیه شهیدان کربلا سرود، در قالب ترکیب بند متداول گردید و مورد تتبع قرار گرفت دوازده بند محتشم کاشانی که با بیت زیر آغاز می گردد:باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است دارای شهرت و انعکاس فوق العاده و تأثیر و قبول بی نظیری در ادبیات بعد از صفویه می باشد، به طوری که بسیاری از شاعران بزرگ و صاحب قریحه مانند صباحی بیدگلی وصال شیرازی سروش اصفهانی نیز به تتبع از آن پرداخته اند و در

حالی که شاهکارهای زیبا و دل نشین آفریده اند، به جرأت می توان بیان داشت که هنوز هیچ کدام به گیرایی و محکمی و تأثیر عمیق آن در روح و درون آدمی مطابق آنچه محتشم سروده است نمی باشد.ترکیب بندهای مختلف وصال شیرازی که از شاهکارهای مراثی در زبان فارسی به حساب می آیند، بسیار متنوع و زیاد هستند. وصال که استادی بزرگ و توانا بود، هنر شعریش را وقف عالی ترین حماسه تاریخ بشری یعنی حماسه حسینی نمود و اشعاری بی همتا و دریایی از در و گوهر پدید آورد.هر چند که این ترکیب بندهای شعرا، هر یک دارای زیبایی و لطف خاص خود می باشد و هر سراینده ای بر حسب نوع مهارت و استادی که در سرودن قالب شعری خاص خود مانند غزل قصیده و... داشته است تحت تأثیر این استادی و مهارت ترکیب بند را سروده و مقایسه کامل و همه جانبه ای نمی توان در این مختصر روی آنها انجام داد، ولی برای شناسایی بیشتر مختصری در این باره بیان می گردد:

محتشم کاشانی

ترکیب بند محتشم استادانه متین و زیبا سروده شده و دارای بیان حماسی رسایی می باشد. شروع آن با یک حالت پرسش و تعجب از علت و موضوع عزاداری در ماه محرم است باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست ای رستخیز علم که نامش محرم است وآن گاه مرحله به مرحله بیان می گردد، تا این که شور و احساسات حماسی بیان به اوج خود می رسد:روزی که شد به نیزه سر آن بزرگوار خورشید سر برهنه برآمد زکوهسارگفتی تمام زلزله شد خاک مطمئن گفتی فتاد از حرکت چرخ

بیقرارعرش آن زمان به لرزه در آمد که چرخ پیر افتاد در گمان که قیامت شد آشکارو در پایان دامنه بیان احساسات با زیبایی خاصی به حالت عادی بر می گردد:خاموش محتشم که دل سنگ آب شد بنیاد صبر و خانه طاقت خراب شدتا چرخ سفله بود، خطایی چنین نکرد بر هیچ آفریده جفائی چنین نکردهم چنین تسلط و استادی محتشم است که کار او را بی نظیر و دارای تأثیر و گیرایی منحصر به فرد در بیان مراثی نموده است در حالی که اصولاً در هر فنی پس ازمبتکر می بایست پی گیران بعدی پس از ممارست و کوشش بیشتر و زیادتر شاهکار بیافرینند، ولی به جرأت می توان بیان داشت که دوازده بند محتشم در بین این سروده ها،تنها شاهکار است

وحشی بافقی

وحشی که شاعری غزل سرا است دارای ترکیب بندی کوتاه و شامل پنج بند می باشد که بیانی سنگین و دل نشین و با قدرت و یکنواخت دارد:روزیست این که حادثه کوس بلاـ زده است کوس بلا به معرکه کربلا زده است روزیست این که کشته بی داد کربلا زانوی داد در حرم کبریا زده است ای کوفیان چه شد سخن بیعت حسین و آن نامه ها و آرزوی خدمت حسین ای قوم بی حیا چه شد آن شوق و اشتیاق آن جد و جهد در طلب حضرت حسین

عاشق اصفهانی

عاشق از بهترین غزل سرایان قرن دوازدهم هجری است دارای دوازده بندی زیبا، دل نشین و شورانگیز و به سبک محتشم کاشانی می باشد:امروز روز تعزیه آل مصطفی است امروز روز ماتم سلطان کربلاست روزیست اینکه نخل فتوت زپافتاد روزیست این که شور قیامت بپای خاست تعداد ابیات هر بند مساوی و تک بیت های واسطه رسا و سنگین است جن و ملک بنوحه در آمد عزای کیست این شور در زمین و فلک از برای کیست بیش از هزار سال شد اکنون که ماتم است از بهر او هنوز چنین ماتمی کم است

صباحی بیدگلی

صباحی که یکی از شعرای معروف و چیره دست قرن دوازدهم و سیزدهم می باشد،در سرودن ترکیب بند استادی زیادی نشان داده است ترکیب بندی که وی در بیان زلزله کاشان و مرگ فرزندانش سروده بسیار رسا و متین است صباحی در تتبع از کار محتشم کاشانی نیز ترکیب بندی در چهارده بند سروده که بسیار عالی و سنگین و حتی بی نظیر می باشد. اشعار وی دارای شروعی کوبنده و حماسی و همچون تابلویی زنده و برجسته است که با استادی و مهارت خاص صحنه رویارویی حق و باطل را نشان می دهد:افتاده شامگه به کنار افق نگون خور چون سر بریده ازین طشت واژگون افکند چرخ مغفر زرین و از شفق در خون کشید دامن خفتان نیلگون چون شد بساط آل نبی در زمانه طی آمد بهار گلشن دین را زمان وی یثرب بباد رفت به تعمیر ملک شام بطحا خراب شد به تمنای ملک ری سرگشته بانوان حرم گرد شاه دین چون دختران نعش به پیرامون جدی

خاقان

فتحعلیشاه قاجار علاقه وافری به شعر و شاعری داشت و شعر می سرود و تخلص شعریش خاقان بود. او دارای دیوان اشعاری

است که بخش زیادی از آن را مراثی و اشعار مـذهبی و نوحه تشـکیل می دهد و در رثای شـهیدان کربلا سـروده است وی به تتبع ازمحتشم کاشانی دارای ترکیب بندی است که بسـیار روان و دلچسب و هنرمندانه سروده شده لطف کلام او با ذکر نمونه هایی از اشـعارش مشـخص می گردد:در حیرتم که چرا غرق خون نشـد در ماتم حسـین زمین واژگون نشـدجان جهان زجسـم جهان رفت و وین عجب این جان سخت از تن یاران برون نشدافتاد آسمان امامت چو بر

زمین ساکن چرا سپهر و زمین بی سکون نشدبفشرد پای در ره صبر و رضا حسین با حق نمود وعده خود را وفا حسین

وصال شیرازی

وصال بهترین مرثیه سرای اهل بیت به شمار می رود، فردی شاعر، دانشمند،عارف متقی و هنرمند می باشد.مراثی وصال بالغ بر دو هزار بیت است که بیشتر به صورت ترکیب بند و مثنوی سروده شده و به طور قطع یکی از شاهکارهای ادبی فارسی در این زمینه است وصال بیشتر مراثی خود را درباره خاندان عصمت و طهارت در آخر عمر و در حالی که از دیده نابینا بود، سروده و سوز سخن وی در بیان مصائب اهل بیت پیغمبر موضوعی است که هرخواننده ای با مطالعه مختصر مراثی وی به خوبی در می یابد:این جامه سیاه فلک در عزای کیست وین جیب چاک گشته صبح از برای کیست این آه شعله ور که زدلها رود به چرخ زانـدوه دل گـداز و غم جانگـداز کیست خونی اگر نه دامن دلهـا گرفته است این لخت دل بـدامن ما خونبهای کیست صاحب عزا کسـی است که دلهاست جای او دلها جز آنکه مونس دلهاست جای کیست آری خداست در دل و صاحب عزا خداست ز آن هر دلی به تعزیه شـاه کربلاـست عقیـده پـاک و ارادت مخصـوص به خانـدان نبوت گفتـار وی را به حـد کمـال رسانـده و شعرش در اثر عنایت غیبی آن خاندان مکرّم برتری خاصـی یافته است وی روزی درخواب حضـرت فاطمه (س) را دید، به وی سلام کرد و در پاسـخ سـلام خود عنایتی ندید،دوباره سـلام کرد باز جوابی نیافت آشـفته حال عرض کرد مگر خدمات وصال پذیرفته آن آستان نیست که بذل عنایتی نمی شود.حضرت فاطمه زهرا (س)

در جواب فرمودند با این سعادتی که خداوند به تو عنایت فرموده دریغ است که تنها حسین (ع) را فرزند من دانی وصال سراسیمه و پریشان حال از خواب برخاست و مرثیه معروف حضرت امام حسن مجتبی (ع) را با سوز و گداز تمام سرود:از خواب جست تشنه لب آن بسط مستطاب بر کوزه برد لب که بر آتش فشاند آب آبی که داشت سوده الماس درکشید چون جعده جعده رفت همانندم به پیچ و تاب در شب دیگر که وقار به نوشتن آن اشعار با حضور پدر سرگرم بود، خوابش در ربود،پس از بیداری با کمال شادمانی پدر را به زیارت امام در خواب مژده داد و از قول آن حضرت بیان داشت که مرثیه پذیرفته شد، ولی در بند سوم امام علی (ع) در این شعر تصرفی فرمود که چنین است خون خوردن و عداوت خلق و جفای دهر یعنی امامتش به برادر حواله کردگفتار وصال معلوم نیست و از آن زمان تاکنون این شعر به همان تصرف امام علی (ع) خوانده می شود.به هر حال بدون هیچ شک اگر از مرحوم وصال جز این مراثی چیزی بجا مانده بود، باز وی در شمار شاعران بزرگ بود، چه سخن وی در بیان مصائب اهل بیت در اوج است و تاکنون کمتر کلامی باین سوز و گداز و در عین حال متین و منسجم به وسیله شاعری برشته نظم درآمده است نوبهار است جهان زار چمن خوار چراست عید شد سینه پرانده و دل افکار چراست ناله دل عوض مرغ خوش آواز زچیست اشک خونین بدل ابر گهربار چراست روز شادی است نه اندوه بهار است نه دی اثر اندوه و

غم بر درو دیوار چراست نه آن گلباد دادم کز گلستان و چمن جویم نه آن گوهر زمن شد کز بدخشان و یمن جویم نه آن گلزار شد افسرده نه آن باغ پژمرده که مانندش زشمشاد و گل و سرو و سمن جویم ولی آن گلبن خندان که عدوان داد بربادش در این گلشن که خواهد جست مانندش که من جویم

سروش اصفهانی

سروش شاعر غزل سرای معروف دوره قاجاریه دارای آثار منظوم بسیار زیادی در منقبت رسول اکرم (ص) و خاندان نبوت و رسالت می باشد. وی مثنوی زیبایی به نام «روضه الانوار» و ترکیب بندی در شصت بند در ذکر واقعه کربلا و شرح وقایع ومبارزات سربازان مقاوم حق بر علیه باطل سروده که بسیار زیبا و رسا است ای دیده خون ببار که ماه محرمست نزد خدای دیده گریان مکرمست فرمود شاه دین که منم کشته سرشک بر زخمهای شاه سرشک تو مرهمست بی دیده پر آب و نفسهای آتشین گر لاف مهر شاه زنی نا مسلمست پیرانه سر به معرکه جولانم آرزوست دشت مصاف و عرصه میدانم و آرزوست سر باختن چو گوی به میدان عشق شاه با قامتی چو خم شده چو گانم آرزوست روزی چنان به یاد زمین و زمان نداشت جوری ستاره کرد که خود گمان نداشت دانی دراز بود چرا روز قتل شاه زیرا که قوت حرکت آسمان نداشت بگرفت آفتاب و بلرزید کوه و دشت بارید خون تازه از این باژگونه طشت

وقار شیرازی

وقار فرزند ارشد وصال شیرازی علم و کمال و شعر و شاعری را در محضر پدر استادش آموخته و در خاندان وصال دانشمندی تمام عیار بود. وی در سرودن مراثی و درقالب ترکیب بند به تتبع از محتشم و پدرش وصال دارای بیانی ساده آهنگین زیبا و سهل و ممتنع می باشد و در این تتبع کمال استادی و دقت را به کار برده و موفق هم بوده است به طوری که مراثی وقار که در جواب محتشم کاشانی سروده شده به کار وی بسیارنزدیک است ای دل بنال زار که هنگام ماتمست وز دیده اشک بار

که ماه محرمست هر جا که بنگری همه اوضاع انـدهست هر سو که بگـذری همه اسـباب ماتمست ای چرخ سالهاست که بیداد کرده ای امروز این طریقه نه بنیاد کرده ای نشنیده ام دلی که زاندوه نخسته ای یا خاطری که یک نفسش شاد کرده ای لیک از هزار دل که ببستی به بند غم یکبار هم دلی زغم آزاد کرده ای محمود خان صبا که در سـرودن قصیده استادی مسلم است در رثای شهیدان کربلا دارای ترکیب بندی است که بسیار سلیس و روان و محکم سروده شده و یکی از بهترین مراثی موجود در این زمینه است باز از افق هلال محرم شـد آشـکار واز غم نشـست بر دل پیر و جوان غبارباز آتش زروی زمین گشـته شـعله ور کافتاد از آن به خرمن هفت آسـمان شـراربرخاست از زمین وزمان شور رسـتخیز وزهر طرف علامت محشـر شـد آشـکارپیرایه بخش چهره صبر و رضـا حسـین سـرمایه شـفاعت روز جزا حسـین گر در زمانه واقعه کربلا نبود معلوم قـدر صبر و عیار رضای نبودسـبطی چنین برای فدا گرنبی نداشت آسان بدو شـفاعت روز جزا نبودکی بر فلک درخت شقاوت کشید سر گر زیر خاک تخم جفا زابتدا نبودآید کجا زعهده این درد و غم برون چشم زمانه بارد اگر تا به حشر خون

حجه الاسلام نیر

حجه الاسلام نیز که دارای قریحه سرشاری بوده دیوانی مشحون از ذکر مناقب اهل بیت و به ویژه حماسه آفرینان کربلا سروده است وی چون دارای اطلاعات و معلومات وسـیع مذهبی بود، از این اطلاعات و اصطلاحات در سرودن مراثی استفاده نموده و نمونه هایی بسیار سنگین محکم و متین به وجود آورده است تشبیهات زیبا و لطیف وی بسیار دل چسب و شورانگیز

است گفت ای گروه هر که ندارد هوای ما سر گیرد و برون رود از کربلای مانا داده تن بخواری و ناکرده ترک سر نتوان نهاد پای به خلوت سرای ماهمراه بزم ما نبود طالبان جاه بیگانه باید از دو جهان آشنای مابرگردد آنکه با هوس کشور آمده سر ناور به افسر شاهی گدای ماچون زد سر از سرداق حباب نیلگون صبح قیامتی نتوان گفتنش که چون ترک فلک زجیش شب از بس برید سرلبریز شد زخون شفق طشت آبگون لیلای شب دریده گریبان بریده مو بگرفت راه بادیه زین خرگه نگون دست فلک نمود گریبان صبح چاک بارید از ستاره به بر اشک لاله گون افتاد شور وغلغله در طارق نه رواق چون آفتاب دین قدم از خیمه زد برون

ادیب الممالک فراهانی

ادیب الممالک فراهانی که در علوم ادب و لغت فارسی و عربی استاد بود و در سرودن قصیده و قطعه مهارت کامل داشت ترکیب بند رسایی در مراثی اهل بیت و واقعه کربلا سروده که دارای بیانی سنگین متین ادیبانه و سوزناک است آه از حسین و داغ فزون از شماره اش و آن دردها که کس نتوانست چاره اش فریادهای العطش آل وعترتش تبخالهای لعل لب شیرخواره اش داغی که کهنه شد به یقین بی اثر شود وین داغ هر زمان اثرش بیشتر شود

علامه کمپانی

آیه اللّه حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی دارای نبوغ و استعداد بی نظیر واطلاعات و تحصیلات بسیار بالا در علوم و معارف اسلامی بود. از او دیوان اشعاری به زبان فارسی باقی مانده که مشحون از مدایح اهل بیت و غزل های عرفانی است وی چون دارای اطلاعات کامل مذهبی بود وتسلط جامعی به زبان و ادبیات عرب داشت در مراثی و اشعار مذهبی خود از لغات و اصطلاحات و تخصصی نیز استفاده نموده و دارای بیانی عرفانی استادانه لطیف و آهنگون است ترکیب بند وی با کار محتشم کاشانی قابل مقایسه و هم ردیف است باز این چه آتش است که بر جان عالم است باز این چه شعله و غم واندوه و ماتم است باز این حدیث حادثه جانگداز چیست باز این چه قصه ایست که با قصه توأم است گلزار دهر گشته خزان از سموم قهر گویا ربیع ماتم و ماه محرم است سهم قدر زقوس قضا دلنشین رسید در مرکز محیط رضا تیر کین رسیدکرد آن سه شعبه نقطه توحید را دونیم وزشش جهت فغان به سپهر برین رسیدافعی صفت گرفت سر از کنج معرفت

بد گوهری به مخزن در سمین رسید

طوطی همدانی

طوطی دارای بیانی زیبا و ساده و دل نشین در مراثی شـهیدان کربلاست هر چند که در مقام مقایسه با سـروده های سایر شعرا، کار وی در ردیف دوم قرار می گیرد، ولی ذوق سرشار و اخلاص باطن و بیان آهنگین در اشعار وی کاملاً مشهود است خون می چکـد مدام زچشم جهان هنوز بهر عزای خسـرو لب تشـنگان هنوزهنگامه عزای وی افکند تا قیام شور و نشور در سـر پیر و جوان هنوزشاها عزای تست بپا تا جهان بپاست در قلب دوسـتان تو آشوب کربلاست از بنـد بندشان همه در ناله و خروش بر پا چونی زشور غم انگیز نینواست

اهلی شیرازی

اهلی شـیرازی دارای قصایـد و اشـعار زیـادی در مناقب رسول اکرم (ص) و رثای اهل بیت و شـهیدان کربلا است هر چنـد که ترکیب وی در نعت حضـرت رسالت و ائمه اطهار است ولی چون از سـرور شـهیدان کربلا؛ یعنی امام حسین نیز ذکری به میان آمـده است و هم چنین بعلت زیبایی خاصـی که این ترکیب بند دارد و هر بند آن در مناقب یکی از امامان و ائمه ع) می باشد، جای آن در این مجموعه خالی بود که پایان بخش این گنجینه گردیـد:چون زعالم تشـنه لب شد سـرور آزاد حسـین کار ما از گریه سـقائی است بر یاد حسـین آفتابی چون نبی ماه تمامی چون علی شد قران هر دو یکجا بهر ایجاد حسـین گر حسـین تشـنه لب را جـان زمحنت سوختنـد مانـد از او شـمعی که صـد عـالم چراغ افروختنـدآنچه بیـان شـد، گـوشه ای بود از عشق وارادت شـاعران پـاک نهـاد ایرانی که در بیـان فضـیلت ائمه اطهـار: خصوصـاً سـید و سالار شـهیدان امام حسـین (ع) سـروده انـد. رمز ماندگاری این اشعار

به واسطه ماندگاری حماسه جاوید عاشورای حسینی است گر چه درحال حاضر و قرن معاصر چهره های بزرگی هستند که اشعار زیبایی در منقبت ائمه اطهار (ع) و خصوصاً امام حسین (ع) سروده اند. اما مجال سخن گفتن در این باره نیست خلاصه آن که اگر امروز قیام امام حسین و نهضت عاشورا هم چنان پویا و زنده است به واسطه انسان های پاک و آگاهی است که هنر خویش را در خدمت به آن به کار گرفته اند وبا اشعار خود این واقعه را به صورت یک واقعه حماسی به نسل امروز منتقل کرده اند. امیداست شاعران متعهد و شیفته اهل بیت نیز پیام نهضت کربلای حسینی را با همین حرارت و ابهت به نسل آینده منتقل کنند، چرا که نام و حماسه و قیام امام حسین آتشی است در قلوب مؤمنان که تا قیامت خاموش نخواهد شد.سید محمد مدنی بجستانی آذر ماه ۱۳۸۱

نتیجه

شعر و خطابه و منبر در کشور ما مولود عاشورا است امام حسین در زمانی که ستمگران و یزیدیان بر مسلمانان حکومت می کردند قیام کرد و به دست سپاهیان کفر وستم به شهادت رسید. او با شهادت مظلومانه خود، درس آزادگی و شجاعت به همه انسان ها داد. یکی از مهم ترین ثمرات قیام امام حسین آغاز ادبیات و شعر حماسی و مذهبی در رابطه با این حماسه بزرگ بود.تأکید و توجه ائمه اطهار: به بزرگداشت نام و یاد «امام حسین وبیان قیام آن حضرت باعث گردید شاعران و صاحبان علم و خرد، هنر خود را در این راه به کار برند.واینک که چهارده قرن از حماسه همیشه جاوید عاشورای حسینی می گذرد، پیام این حماسه بزرگ بدون هیچ گونه کم وکاست به

نسل حاضر رسیده است ائمه اطهار (ع) توصیه و تأکید فراوانی به احیای سنت عاشورا کرده اند. و به شعرا بسیار توصیه شده که دراین موضوع شعر بگویند و احساسات مردم را تحریک کنند. اینحقیر نیز با اطلاعاتی کم و قلمی لرزان اما با قلبی مالامال از عشق به سید و سالار شهیدان و با استمداد از روح مطهر آن حضرت قلم به دست گرفته و در طی قریب به دو ماه صفحاتی نوشتم و تنها امیدم این است که مورد قبول حضرت اباعبداللّه و عاشقان حضرتش قرار گیرد.در این صفحات به نقش ادبیات و شعر در پویایی نهضت عاشورای حسینی اشاره شد، سپس به شرح حال کوتاهی درباره شاعران عرب و ایرانی که در مورد امام حسین شعر گفته اند، پرداخته شده است به هر حال باید فلسفه قیام حسینی زنده و جاوید بماند.شاعران متعهد که در خود هنر شعر گفتن را می یابند و همه صاحبان علم و خرد و عاشقان مکتب همیشه جاوید حسینی باید در زنده نگه داشتن این حماسه جاوید بکوشند؛همان گونه که امام سجاد (ع) امام باقر (ع)، امام صادق (ع)، وامام کاظم (ع) توصیه می کردند. وکمیت ها و دعبل ها به وجود می آید و آثاری بر مرثیه گویی های آنها مترتب بود.نباید کاری کرد که احساسات مردم در این زمینه خاموش شود. باید همواره احساسات و عشق و علاقه مردم به حق تیزتر شود و به باطل مطلقاً احساسات نفرت انگیز داشته باشند. مبارزه حق و باطل همیشه در دنیا بوده و هست موسی و فرعون ابراهیم و نمرود،محمد و ابوجهل علی و معاویه حسین و یزید و... همیشه در دنیا هستند، منظور این نیست که همیشه در دنیا

اشخاص به مقام و درجه ابراهیم و موسی و عیسی و محمد و علی و حسین هستند. مقصود این است که همیشه حق و باطل در برابر یک دیگر هستند؛جامعه همیشه بر سر دو راهی حق و باطل است مکتب حسین بن علی (ع) اگر این طور باشد، می تواند حافظ اسلام باشد. فلسفه شعر گفتن مرثیه عزاداری و گریه کردن بر حسین (ع) همه راه های زنده نگه داشتن مکتب حسینی است اگر می خواهیم مکتب او زنده بشد باید در مکتب او با هر باطلی بجنگیم و با ظلم بی عدالتی فحشا و منکرات مبارزه کنیم آری اگر شخص حسین بن علی مرد، مکتب او زنده است در پایان سخنم را با جمله ای زیبا از دانشمند و مورخ نامی جهان جرج جرداق به پایان می برم اشعار شیعه با الهام از روح انقلابی علی (ع) شاعر را از خواری و دنائت طبع رهانیده در آسمان عزت نفس و بلند همتی به پرواز در آورد.بار الها! ما را در مکتب حسین و در زیر لوای حسین زنده و ثابت قدم بدار.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹